

تغییر با بهره‌گیری از روش‌های نوین تدریس

از مراکز تربیت معلم شهر تهران و در مقام مدرس کارگاه، حضور به هم رساندیم. در همان بدو ورود، شیطنتم گل کرد و برای شروع مبحث، از حضار که معلم معلمان و مدرس مراکز تربیت معلم بودند، خواستم در ورقه‌ی کوچکی که به آن‌ها داده بودیم، اسامی روش‌های تدریسی را که می‌شناسند، بنویسند. لازم نبود در مقابل نام روش هیچ توضیحی نوشته شود. بنابراین، حتی اگر می‌نوشتند: روش تدریس مبتنی بر بدیعه‌پردازی، روش تدریس یورش فکری، روش تدریس ... قابل قبول بود. تعداد روش‌ها از ۶ تا ۱۷ روش در نوسان بود و بیشترین جواب صحیح یعنی ۱۱ روش به مدرسی اختصاص داشت که خود، روش تدریس دوره‌ی ابتدایی را تدریس می‌کرد و جالب این‌جا بود که با وجود حضور بیش از ۱۵ نفر در کارگاه آموزشی، تعداد روش‌های صحیح و قابل کاربردی که مدرسان محترم برشمردند، همان ۱۳ روشی بود که حدود ۳۰ سال پیش در تربیت معلم به ما یاد داده بودند. یعنی در عرض ۲۸ سال، هیچ دانش، نگرش و روش جدیدی در زمینه‌ی روش‌های نوین تدریس وارد مراکز تربیت معلم ما نشده بود که به‌طور قطع چنین نبود. همان روزها و هم‌زمان با روزهای برگزاری همان کارگاه، با جست‌وجو در منابع فارسی (تألیفی و ترجمه‌ای) موجود، توانسته بودم قریب ۵۵ روش تدریس را که از لحاظ روش‌شناسی، مراحل اثرگذاری و کاربرد با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند، احصا کنم.^۱ بنابراین، برایم بسیار سخت بود که

قصد داریم، تحول و تغییر در نهاد تعلیم و تربیت را صرفاً از زاویه‌ی «روش‌های تدریس» جست‌وجو کنیم و این، البته به این معنی نیست که از میان تمام مسیرها و عواملی که در شماره‌ی قبل برشمردیم، روش‌های تدریس را مهم‌تر یافته‌ایم. بلکه گزینشی است از میان عوامل بسیار، با مروری از زوایای گوناگون بر آن.

*** نخست** (حدود سی سال پیش، وقتی از شرکت در کلاس‌های تربیت معلم فراغت یافتیم و برای تدریس به سوی کلاس‌های درس روان شدیم، خوش‌حال بودیم که استادان ما در تربیت معلم (که همواره از آنان به نیکی یاد کرده‌ام) آن‌چنان ما را به روش‌های تدریس نوین مجهز کرده‌اند که می‌توانیم برای هر درس و هر دانش‌آموز و هر موضوع درسی در هر شهر و روستا و هر مدرسه‌ی فقیر و غنی و بالا و پایین، شیوه‌ی بهینه‌ای را به کار بگیریم و موفق شویم. آن موقع خیلی از قدرت دسته‌بندی و تجزیه و تحلیل روش‌های تدریس برخوردار نبودم، ولی بعدها که در این زمینه مطالعاتی کردم، متوجه شدم که چیزی حدود ۱۳ روش را به ما یاد داده‌اند که برخی از آن‌ها بسیار پرکاربرد و برخی بسیار کم‌اثر و کم‌کاربرد هستند. البته از روش‌های من درآوردی خودمانی چیزی نمی‌گویم، چرا که عمدتاً غلط و برگرفته از عادات تحصیلی خودمان در دوران دانش‌آموزی بود. سال‌ها گذشت و در تابستان سال ۱۳۸۶ به همراه دکتر عادل یغما، سردبیر محترم مجله‌ی رشد تکنولوژی آموزشی، در کارگاه آموزشی مدرسان یکی

امسال، ایام بزرگداشت سی و یکمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی با واپسین روزهای ماه صفر، اربعین حسینی، وفات حضرت رسول اکرم (ص) و شهادت امام حسن مجتبی (ع) قرین شده و فرصتی فراهم آورده است تا بار دیگر بتوانیم در برنامه‌های تربیتی خود، به طور توأمان بر تلفیق ارزش‌های ملی و دینی و بروز و ظهور همگن و یکپارچه‌ی آن‌ها تأکید کنیم و بکوشیم فرزندان صالح برای امروز خود تربیت کنیم. یکی از ویژگی‌هایی که همواره در تاریخ سی و یک‌ساله‌ی انقلاب اسلامی ما خودنمایی کرده و در رأس برنامه‌های فرهنگی - تربیتی درخششی وصف‌ناپذیر داشته است، تأکید بر تحول، نخواستگی، نوجویی و تغییر است و این همان نکته‌ای است که به حرف اول و آخر این روزهای آموزش و پرورش کشورمان نیز تبدیل شده است. در یادداشت سردبیر شماره‌ی قبل، چهار مسیر تحول‌خواهی در آموزش و پرورش را برشمردیم و سخن به این‌جا رسید که گروهی از نوجویان، ایجاد تغییر در آموزش و پرورش را با ایجاد تغییر در نوع نگرش به معلمان همسان می‌دانند. این گروه، ضمن اعتقاد به تغییر نقش معلم از انتقال‌دهنده‌ی صرف اطلاعات به راهنما و تسهیل‌کننده‌ی فرایند یاددهی - یادگیری می‌گویند تا زمانی که در روش‌های یاددهی - یادگیری و شیوه‌های تدریس، روش‌های ارزش‌یابی از آموخته‌های دانش‌آموزان و شیوه‌های اداره‌ی کلاس‌های درس تغییری رخ ندهد، شاهد هیچ تحولی در آموزش و پرورش نخواهیم بود. در این شماره

این روش‌ها، لاقلاً برای مدرسان تربیت معلم ناشناخته باشد. تازه اگر مدرسان تربیت معلم روش‌ها را نشناسند، به کار نبرند و تدریس نکنند، چگونه می‌توانیم از دست پروردگان آن‌ها، یعنی معلمان فارغ‌التحصیل بخواهیم که این روش‌ها را در کلاس‌های درس به کار ببرند.

*** دوم)** در نیم‌سال اول سال تحصیلی ۸۸-۸۹ که اکنون در واپسین روزهای آن و آغاز نیم‌سال دوم هستیم، تدریس درس «روش‌های تدریس پیشرفته» برای دانشجویان کارشناسی ارشد آموزش ابتدایی یکی از دانشگاه‌های تهران را عهده‌دار بودم. ذکر کلمه «پیشرفته» در امتداد عنوان درس، مثل خیلی از درس‌های دوره‌های کارشناسی ارشد، مبین این نکته بود که باید چیزی فراتر از آن‌چه که در دوره کارشناسی خوانده‌اند، به آن‌ها ارائه دهم. به غیر از جست‌وجوی سرفصل‌های درس‌هایی که در دوره کارشناسی در ارتباط با روش‌های تدریس، برنامه‌ریزی درسی و تکنولوژی آموزشی خوانده بودند، طبیعی بود که از خودشان نیز بی‌سرهم درباره‌ی موضوع روش‌های تدریس چه می‌دانند.

از این‌رو در همان جلسه‌ی اول، و با توجه به ترکیب ناهمگنی که داشتند (۱۷ نفر دانشجوی دوره کارشناسی خود را در ۶ دانشگاه گذرانده بودند) از آن‌ها خواستم، هر کدام به مدت پنج دقیقه درباره‌ی درس یا درس‌های روش تدریس دوره کارشناسی و آن‌چه که از آن‌ها به یادشان مانده است، سخن بگویند. کسی نتوانست پنج دقیقه سخن بگوید و با اصرار زمان را به دو دقیقه کاهش دادیم. ولی باز هم نتیجه‌ای حاصل نشد و قرار بر این شد که هر کس در دو تا سه جمله، هر چیزی را که از دوره کارشناسی در مورد روش‌های تدریس به یادش مانده است، بیان کند. نتیجه، چندان دندان‌گیر نبود و طبیعی بود که من هم مجبور بودم طرح درس طی نیم‌سال خودم را با توجه به ارزیابی رفتار ورودی مخاطبانم و آزمون تشخیصی که از آن‌ها به عمل آوردم،

تنظیم کنم و با وجود تلاش خودم و ذوق و علاقه‌ی فراوانی که دانشجویان محترم از خود بروز می‌دادند، خیلی از کارم راضی نباشم.

*** سوم)** یکی از کارهای خوبی که در خیلی از مدرسه‌های کشورمان انجام می‌شود، تحلیل آموزشی نتایج امتحانات دانش‌آموزان، رسم نمودارهای گوناگون و شناسایی نقاط قوت و ضعف دانش‌آموزان در دروس متفاوت است. این کار تا زمانی که صرفاً به مقایسه‌های بی‌مورد دانش‌آموز به دانش‌آموز، کلاس به کلاس، معلم به معلم و مدرسه به مدرسه منتهی نشود، و بتوان از نمودارهای رسم شده برای بالا بردن کیفیت آموزش بهره برد، خوب است. ولی باید در نظر داشت، این نمودارها خیلی وقت‌ها با زبان بی‌زبانی با ما سخن می‌گویند. بد نیست مثالی بزنم. سال‌ها پیش در یکی از مدرسه‌های راهنمایی یکی از مناطق جنوبی شهر تهران که از قضا در منطقه‌ای جرم‌خیز واقع شده بود و دانش‌آموزان، خانواده‌های چندان سالمی نداشتند، نمودار درصد قبولی و میانگین نمرات کلیه‌ی دروس در امتحانات خرداد ماه، توسط مدیر مدرسه استخراج و به شکل زیبایی ترسیم شده بود. اکثر نمره‌ها و درصدها، در حد بسیار پایینی بودند، به غیر از یک درس، آن هم درس سخت و همیشه دانش‌آموز بینداز ریاضیات. میانگین نمرات دانش‌آموزان این مدرسه در درس ریاضیات، حتی از میانگین نمرات دانش‌آموزان منطقه بالاتر بود. وقتی با مدیر مدرسه در مورد کیفیت آموزشی مدرسه گفت‌وگو می‌کردیم و سعی داشتیم از نمودارها، تحلیل‌هایی ارائه دهیم، مدیر محترم به نکته‌ی مهمی اشاره کرد: «این دبیر ریاضیات، استاد تنوع بخشیدن به روش‌های تدریس خود است. هر روز یک روش تازه دارد و هر روز شگردی در آستینش دارد که شاگردانش را مسحور می‌کند. ای کاش همه‌ی معلمانم مثل او بودند ... اگر چنین بود، انجام هر تغییری در مدرسه‌ی من عملی می‌شد ...»

من هم با این مدیر محترم هم عقیده هستم. اگر بتوانیم همه‌ی معلمان خودمان را

به سلاح‌آشنایی با انواع روش‌های تدریس نوین مجهز کنیم و فرهنگ استفاده از این روش‌ها را با گستره‌ی متنوعی که دارند، در مدرسه‌ی خود جاری و ساری سازیم، به‌طور قطع خواهیم توانست یکی از گام‌های ایجاد تحول در آموزش و پرورش را محکم و هوشمندانه برداریم. اگر می‌پذیریم که در دانشگاه‌ها و مراکز تربیت معلم و در امر آموزش معلمان، اتفاقی نمی‌افتد، اگر معلمان آشنا با روش‌های تدریس، کم تعدادند و اگر فرهنگ استفاده از روش‌های تدریس هنوز در میان معلمان، توسعه نیافته است، باید در حرکتی منسجم و همگانی، در آوردن و تزریق ده‌ها روش تدریس جدید در مدرسه‌ها، که قطعاً هر یک می‌تواند مشکلاتی از ده‌ها مشکل دانش‌آموزان را در فرایند یاددهی - یادگیری رفع کند، بکوشیم.

ما معتقدیم، بی‌شک یکی از مسیرهای تغییر و نوجویی در آموزش و پرورش کشورمان، جاده‌ای است که در دو سوی آن راهبردهای یاددهی - یادگیری و روش‌های نوین تدریس با تنوع و گستردگی تمام صف‌آرایی کرده‌اند.

راستی شما در مقام مدیر، آموزگار و کارشناس آموزشی، برای همراهی با این مسیر تغییر چه کار می‌توانید بکنید؟ حتماً نظریات و راهکارهای خود را با ما نیز در میان بگذارید.

زیرنویس

۱. در حال حاضر با دوست اندیشمندم دکتر محرم آقازاده که چند سال پیش در عضویت شورای سردبیری رشد مدیریت مدرسه و نیز سردبیری رشد معلم، از نوشته‌های او فراوان استفاده کرده‌ایم، در حال ترجمه‌ی اثری هستیم که به تشریح ۳۰۰ روش تدریس یا راهبرد یاددهی - یادگیری می‌پردازد، یعنی چیزی حدود شش برابر روش‌هایی که من توانسته بودم آن‌ها را از منابع موجود احصا کنم. این کتاب کاری است از وزارت آموزش و پرورش کانادا که برای هر راهبرد، مثالی مرتبط با یک درس از برنامه‌های آموزشی کشورشان را ارائه داده‌اند. ما اکنون در حال جایگزین ساختن مثال‌های مرتبط با برنامه‌های درسی کشور خودمان هستیم تا خواننده از تباط بیشتری با محتوای کتاب برخوردار کند.